

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
An Approach to Enhance the Validity of Qualitative
Evaluations in Conservation Interventions of Historical
Monuments, Case Study: Khajeh Atabak Tomb in Kerman
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

راهبردی برای افزایش اعتبار ارزیابی‌های کیفی در مداخلات حفاظتی آثار تاریخی

نمونه موردی: مقبره خواجه اتابک کرمان

زینب رئوفی*^۱، منصور خواجه‌پور^۲

۱. عضو هیئت علمی بخش مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.
۲. عضو هیئت علمی بخش مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۳

چکیده

بیان مسئله: ارزیابی مداخلات حفاظتی انجام‌شده بر روی آثار تاریخی زمینه‌ساز تبادل تجارب، اصلاح رویکردها در انتخاب شیوه مداخله و جلوگیری از تکرار خطاهای جبران‌ناپذیر در حفاظت آنهاست. نظر به پیچیدگی فرایند ارزیابی و نیز عدم ارائه راهبردهایی که بتوانند با بالابردن قابلیت اعتبار این ارزیابی، نتایج آن را قابل اعتماد و استناد کنند، در ایران، مداخلات حفاظتی یا مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند و یا بدون داشتن راهبردی معین، اغلب به صورت سلیقه‌ای ارزیابی می‌شوند.

هدف پژوهش: استخراج مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعتمادپذیری ارزیابی‌هایی که با رویکرد تعیین سطح اعتبار علمی مداخلات انجام می‌شود و دستیابی به راهبردی برای افزایش اعتبارپذیری فرایند ارزیابی و صحت نتایج حاصل از آن و کاربرد آن بر روی یک نمونه موردی برای آزمون راهبرد ارائه‌شده هدف این پژوهش است.

روش پژوهش: در این تحقیق کاربردی، ابتدا مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعتمادپذیر کردن ارزیابی، با استفاده از مطالعات اسنادی و تحلیل توصیفی، از متون و منشورهای حفاظتی استخراج شده و سپس از طریق تحلیل کیفی و با روش استدلال منطقی، راهبردی برای ارزیابی تدوین شده است. برای انجام ارزیابی بر روی اثر نمونه و با هدف آزمون راهبرد، ارزش‌های هویت‌یافته اثر و اولویت‌ها و اهداف حفاظت‌گر در زمان مداخله، در جریان یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق در اختیار متخصصین حفاظت‌گر محلی قرار داده شد. در نهایت، نتایج نظرسنجی که با استفاده از پرسشنامه انجام شد، به صورت کیفی تحلیل و ارائه شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای ارزیابی کیفی مداخلات حفاظتی، می‌توان از راهبردی مبتنی بر میزان توجه به اصل فهم مشارکتی اثر، ارجاع به اصول پنجگانه حفاظت و نیز ارتقای آگاهی ارزیاب از اصول پنجگانه و ارزش‌های اثر استفاده کرد. همچنین کاربرد راهبرد حاصل بر روی مقبره خواجه اتابک نشان داد که درجه اعتبار و مقبولیت علمی مداخله، در حوزه حفاظت تزئینات گچبری، از برتری نسبت به مداخله مهار تاق برخوردار است.

واژگان کلیدی: حفاظت میراث، ارزیابی کیفی، مداخلات حفاظتی، اعتبار، مقبره خواجه اتابک.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۹۳۸۰۰۳۸، zraoufi@uk.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

بدون به وقوع پیوستن یک مداخله حفاظتی، هیچ تجربه عملی حفاظتی نه رخ خواهد داد و نه معنا خواهد یافت. ارزیابی مداخلات انجام شده در یک اثر تاریخی زمینه ساز تبادل تجربه و مشارکت در تلاشی دسته جمعی برای به تکامل رساندن اندیشه های حفاظتی است. مطابق دیدگاه های حفاظت معاصر، چک کردن و بازبینی مداخله (ICOMOS, 2003, art 3-21) یا به عبارتی، ارزیابی تجارب عملی حفاظت، برای تعیین سطح کیفی موفقیت یا عدم موفقیت شیوه های برخورد با آثار، یک اقدام سودمند در جهت اصلاح رویکردها و تجربه ها، جلوگیری از تکرار خطاهای جبران ناپذیر، ایجاد امکان مقایسه مستدل و معتبر تجربه ها و ارتقای سطح مهارت ها در حفاظت میراث به شمار می آید. اما واقعیت آن است که در مقوله ارزیابی مداخلات، ابهامات موضوعی و روش شناختی و گاه متناقض زیادی وجود دارد که برآمده از ماهیت پیچیده حفاظت و موضوعات عینی و ذهنی آمیخته با آن است.

حفاظت میراث فرهنگی اقدامی چندزمینه ای است (Mason, 2002, 7) که در آن مسائل مختلف به طور غیریکنواخت در هم تنیده می شوند تا تجارب عملی حفاظت را خلق کنند. جالب توجه اینکه در هنگام طرح ریزی برنامه ارزیابی کیفی و یا کمی برای یک پروژه کامل شده یا در حال انجام و یا نتایج آن این نکته مهم است که عینی بودن و یا ذهنی بودن موضوع مورد ارزیابی را به طور مشخص بدانیم (Henderson & Waller, 2016). علاوه بر آنکه برای تحقق امر ارزیابی، به معیارهایی نیاز داریم تا از آنها به عنوان شاخص کمی یا کیفی در فرایند سنجش استفاده کنیم (Austrian Development Agency, 2009) و این در حالی است که مفاهیم پیچیده و تغییرپذیر و نسبی حفاظت محدودیت هایی را در امکان ارائه تعاریف دقیق، شاخص های ثابت و الگوهای تکرارپذیر ایجاد می کنند (ICOMOS, 1994; ICOMOS, 2003, art 1-2). هر تجربه حفاظتی، به خاطر یگانه بودن هر اثر تاریخی، تجربه ای منحصر به فرد است. بنابراین ما نمی توانیم به سادگی، با قراردادن اثر در یک معادله استاتیکی و انجام یک استدلال منطقی، تعیین کنیم که «در حفاظت یک اثر به ارزش های زیبایی شناسانه تا حد امکان احترام گذاشته شده است. زیرا ارزش های زیبایی شناسانه، حد امکان و مفهوم احترام همگی مفاهیمی نسبی هستند که ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر با هم فرق داشته باشند. آنها این قابلیت را دارند تا در هر مکان و یا زمانی شکل و محتوای خود را تغییر دهند» (ICOMOS, 1994). به طور مشابه، تشخیص اینکه مداخله حفاظتی انجام شده بر روی یک اثر تا چه حد به اصالت آن

صدمه زده و یا چقدر در حفظ آن موفقیت آمیز عمل کرده نیز حساس و دشوار است (ICCROM, 2018, 213). به آن سبب که در اینجا قضاوت درباره میزان یک حقیقت است و قضاوت درباره حقایق امری خطاپذیر است (محمدی اصل، ۱۳۹۷، ۷۴).

برای کاهش میزان خطاپذیری قضاوت ها درباره درجه موفقیت و اعتبار علمی مداخلات انجام شده بر روی یک اثر تاریخی، لازم است تا ضریب اطمینان و اعتماد نسبت به چگونگی تحلیل، تفسیر و قضاوت ارتقا یابد. لذا پژوهش حاضر در راستای دستیابی به تدوین راهبردی برای افزایش اعتبار علمی فرایند ارزیابی و نتایج آن، در خصوص مداخلات حفاظتی انجام شده بر روی آثار تاریخی، در پی یافتن پاسخ برای پرسش های زیر است:

۱. مؤلفه های تأثیرگذار بر اعتمادپذیری ارزیابی های کیفی مداخلات حفاظتی صورت گرفته بر روی آثار تاریخی کدام اند؟
۲. چگونه می توان از این مؤلفه ها در تدوین راهبردی برای افزایش اعتبارپذیری فرایند ارزیابی مداخلات حفاظتی و کاربست آن بر روی یک بنای تاریخی (نمونه موردی: مقبره خواجه اتابک) استفاده کرد؟

پیشینه تحقیق

از قرن نوزدهم میلادی تا کنون، به واسطه دگرگونی نیازها و ارزش های جوامع و تغییر شکل دیدگاه های متفکرین و نظریه پردازان حفاظت، چستی حفاظت و موضوعات آن، در جریان خود به سمت آینده، دارای ابعاد پیچیده و گسترده تر شده است. اما تحقیق در متدولوژی ارزیابی میراث و قضاوت درباره تصمیمات و اقدامات حفاظتی موضوع تازه ای است که از ۱۹۹۹ م. در این حوزه گسترش یافته است (Zancheti, 2011). شواهد تلاش های علمی برای ارائه الگوهای نظری در ارزیابی و مدیریت اقدامات حفاظتی را در مطالعات منتشر شده از سوی مؤسسات تحقیقاتی و نهادهای بین المللی مانند یونسکو، ایکوموس و ایکروم، موسسه گتی و ... می توان یافت (UNESCO, 2005; ICCROM, 2018; Mason, 2002; Feilden & Jukilehto, 1998). اگرچه تا کنون پژوهشی متمرکز بر روی روش های ارزیابی کیفی مداخلات به وقوع پیوسته بر روی یک اثر تاریخی انجام نشده، اما در میان مراجع محدودی که در حیطه متدولوژی ارزیابی حفاظت وجود دارد، مطالعات زانچتی و میچالسکی از جایگاهی ویژه برخوردار است. آنها در تحقیقات خود تلاش کرده اند تا با رویکردی کلی و با استفاده از تلفیق روش های کیفی و کمی، به تبیین چند معیار، برای قضاوت درباره میزان مقبولیت مداخلات حفاظتی (درباره محوطه های تاریخی) بپردازند و نتایج ارزیابی بر مبنای معیارهای

در نظر گرفته شده را با مقادیر کمی نمایش دهند تا از این طریق توانایی معیارها را در سنجش مداخلات، به اثبات برسانند (Michalski, 1994; Zancheti, 2011). میچالسکی ضمن بررسی ابزارهای مناسب در به اشتراک گذاری تصمیمات برای حفاظت اثر، سعی کرده تا شاخص‌هایی چون میزان آسیب دیدگی مواد و مصالح و یکپارچگی بصری اثر را برای اولویت بندی میان آترناتیوهای درمان معرفی کند (ICCROM, 2018, 183). زانچتی، به دنبال شاخص‌هایی برای سنجش حفاظت پایدار در محیط‌های تاریخی، تلاش کرده تا سه شاخص کیفی یکپارچگی، اصالت و اهمیت اثر را به روشی کمی اندازه گیری کند (Zancheti, 2011).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر که از نظر هدف کاربردی است، در مرحله اول، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اعتمادپذیر کردن ارزیابی، با استفاده از مطالعات اسنادی و تحلیل توصیفی از متون و منشورهای حفاظتی استخراج شده است. سپس با روش استدلال منطقی و از طریق تحلیل کیفی مؤلفه‌ها، الگویی برای افزایش اعتبارپذیری ارزیابی مداخلات تدوین شده است. در مرحله دوم، تلاش شده تا بر مبنای الگوی ارائه شده، نسبت به ارزیابی کیفی دو مداخله حفاظتی در اثر تاریخی نمونه اقدام شود. برای این منظور، ارزش‌های هویت یافته اثر و اولویت‌ها و اهداف حفاظت‌گر در زمان مداخله، در جریان مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق، در اختیار متخصصین حفاظت‌گر محلی قرار گرفت و نتایج نظرسنجی پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، به صورت کیفی و با استدلال منطقی، تحلیل و ارائه شد.

واگذاری صلاحیت ارزیابی

سنجش مداخلات حفاظتی یک امر کیفی است. مداخلاتی که حفاظت‌گر بر روی اثر انجام داده و به ابقا، حذف یا تغییر شواهد، لایه‌ها یا معانی اثر منجر شده ممکن است از نگاه یک فرد، شایسته، موجه، محترمانه و حتی قابل تقدیر و نزد دیگری، سهل‌انگانه و ناشایسته به نظر برسد. تأثیر تفاوت دیدگاه‌ها، دانش عرفی و تجربه کسانی که حفاظت را قضاوت می‌کنند، در ارزش‌گذاری و تصمیم‌گیری، درست مانند اعمال سلیقه حفاظت‌گر در الویت‌بندی و انتخاب شیوه‌های درمانی در هر درمان حفاظتی، یک موضوع اجتناب‌ناپذیر است (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۷۹).

مطابق گفته فلیک، آنچه در یک ارزیابی کیفی حائز اهمیت است توجه به اعتبار تفاسیر است (عباس‌زاده، ۱۳۹۱). در یک برنامه ارزیابی مداخلات، این برداشت‌ها و تفسیرهای ذهنی ارزیاب است که مسلط بر کل فرایند ارزیابی است.

زیرا او براساس تفسیرهای ذهنی به قضاوت درباره موضوع می‌پردازد و نتایج ارزیابی وابسته به نتیجه‌گیری‌های اوست. اما ویژگی‌های موجود در یک پدیده برای همه افراد، به یک اندازه قابل‌شناخت و دریافت نیست و یک اثر برای افراد مختلف می‌تواند حاوی معانی متفاوتی باشد (Mason & Avrami, 2000). بنابراین توجه به اعتبار ارزیاب (مبانی ادراکی و ذوق سلیم او)، برای بالا بردن ضریب اطمینان از صحت در قضاوت و کاهش خطاهای ساختاری که به نتایج نامعتبر می‌انجامد یک ضرورت است. برای اینکه درک ارزیاب (تفسیرکننده مداخلات) با واقعیات تطابق داشته باشد، ارزیاب باید از دانش و بینش حفاظتی برخوردار باشد، زیرا محتوای یک سخن را کسی می‌تواند دریابد که ذهنی آماده برای ادراک آن داشته باشد (فلامکی، ۱۳۹۱، ۳۸۷). به گفته آورامی: «قضاوت درباره خوب یا بد بودن حفاظت انجام شده روی میراث، به عهده مردمی است که زندگی‌شان تحت تأثیر میراث یا معانی آن قرار دارد» (Avrami & De La Torre, 2000)، افرادی که نسبت به فرهنگ و بستر تولیدکننده اثر آگاهی داشته باشند و بهتر آنکه متعلق به همان فرهنگ باشند. کیفیت ارزیابی معانی در یک اثر یا در یک مکان، منوط به دانش و فهم زمینه‌ای و تطبیقی از موضوع و دوره نیز هست (Bond & Worthing, 2016, 108)، بنابراین هرچه میزان آشنایی با خود اثر و موضوعات کلی در حفاظت میراث بیشتر باشد، با دید بازتری به مسئله پرداخته می‌شود (ICOMOS, 2013) و در نتیجه امکان کاهش خطاهای ساختاری در ارزیابی بالاتر خواهد رفت. در حوزه مسائل فنی و حرفه‌ای در حفاظت، حق ارزیابی و قضاوت با متخصص حفاظت است. چرا که او می‌تواند ورای بدیهیات را ببیند (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۱۵۵)، دانش فنی، بینش و احتیاط لازم را نسبت به حفظ اثر و مجموعه حقایق کالبدی، تاریخی و هنری آن دارد و استراتژی‌های اقدامات درمانی و محدودیت‌های مسئله را می‌شناسد.

محدودسازی رویکردها در ارزیابی

بی‌تردید افرادی که صلاحیت آنها در امر قضاوت تأیید شده است دارای مواضع مختلفی نسبت به تصمیم‌گیری‌های حفاظتی هستند که متأثر از گرایش‌های فکری و رویکردهای دانش حفاظت در ادوار مختلف است. آنها یا سرسختانه طرفدار رویکردهای سنتی در حفاظت کلاسیک‌اند و مهم‌ترین ملاک برای ایشان، در تأیید شایسته بودن مداخلات، میزان تطابق مداخله و نتیجه آن با حقیقت مادی و یا تاریخی اثر است، یا اینکه از دیدگاه‌های جدیدتر طرفداری می‌کنند و حفظ موجودیت زیباشناختی و تاریخی اثر تاریخی را ملاک

ارزش‌ها و معانی نسبت‌داده‌شده به اثر (توسط حفاظت‌گر)، یک فاکتور مهم در روند داوری اوست. در واقع تنها در این صورت است که فرایند داوری او می‌تواند آغاز شود. در اینجا قضاوت یک قضاوت ارزشی است (Reedy, 2010). بنابراین، برای جلوگیری از ایجاد خطاهای ساختاری در درک مسئله و افزایش صحت و اعتبار ارزیابی، ارزیاب باید دقیقاً بداند، در جست‌وجوی یافتن شواهد حفظ و یا نابودی کدام ارزش‌ها در اثر باشد تا بتواند ذهن خود را برای ورود به جریان تفسیر، قضاوت و ارزیابی آماده کند. یکی دیگر از فاکتورهای ضروری در هنگام ارزیابی مداخلات، آگاه‌بودن ارزیاب از میزان دقت نظر حفاظت‌گر در انتخاب آلت‌رناتیوهای درمان است. آگاهی از شرایطی که در زمان انجام مداخلات، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها گزینش آلت‌رناتیوهای درمان و اقدامات حفاظت‌گر را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند، یعنی مجموعه محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... در محیط اثر، داوری را قابل‌اعتمادتر و اعتبارپذیری اظهار نظرهای ارزیاب را افزایش خواهد داد. زیرا مداخلات حفاظتی در واقع تصمیماتی هستند که بعد از بازشناسی و آنالیز داده‌ها و سپس قضاوت درباره آنها به‌انجام رسیده‌اند (Zancheti, 2011). مراجعه به منابعی که ارزیاب را نسبت به شرایط ویژه اثر آگاه می‌کند او را به‌سمت ارائه تفسیرهای آگاهانه‌تر هدایت می‌کند. این منابع درک موضوعات را قابل‌اعتماد و حقیقی کرده و تصویر قوی‌تری از اثر در ذهن او خلق می‌کنند (Henderson & Waller, 2016).

تعیین معیار

هر مداخله باید تا حد امکان به ارزش‌های مفهومی، تکنیکی

تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند و یا به‌دنبال قیاس کیفیت مداخله با مضامین حفاظت پایدار، ارزش‌گرا و مردم‌بنیان در دوران معاصرند (جدول ۱). جالب توجه اینکه، حتی اگر دیدگاه‌ها خیلی به هم نزدیک باشند، شاخص صداقت، دانش و توانایی تفسیر حقایق در آنها هم‌تراز نیست. علاوه بر آنکه حالات قضاوت‌کننده به‌شکلی کنترل‌ناپذیر، از شیوه‌های سرسختانه تا نرم و انعطاف‌پذیر، در نوسان است (Henderson & Waller, 2016).

در پی توجه به نکات پیش‌گفته، در تدوین چارچوب و محتوای یک برنامه برای ارزیابی مداخله، باید تعیین شود که مضامین اصلی کدام گرایش‌ها و رویکردهای حفاظتی مدنظر قرار گرفته‌اند: حفاظت کلاسیک، حفاظت مدرن و یا حفاظت معاصر. این اقدام در کنترل نسبی زاویه دید ارزیاب و ایجاد وحدت رویکرد میان مجموعه ارزیاب‌ها (تفسیرکنندگان مداخله) مؤثر است. یکی از استراتژی‌های خوب برای بهینه‌سازی ارزیابی، محدودسازی زمینه‌های ارزیابی و شکستن موضوع به مسائل کوچک‌تر است که به‌عنوان یکی از تکنیک‌های متداول در سایر علوم، در بهبود ماهیت قضاوت درباره حفاظت نیز، می‌تواند کاربرد داشته باشد (Caple, 2000, 10).

آگاهی ارزیاب از شرایط ویژه اثر و روند حفاظت

بازشناسی ارزش‌های یک اثر و معانی آن موضوعی کلیدی در حفاظت معاصر است (Zancheti, 2011). به‌گفته دل‌توره: «ارزش‌ها منسوب هستند و نه ذاتی، تغییرپذیرند و نه ثابت؛ چندانکه‌اند و اغلب مبهم و یا در تناقض‌اند و می‌توانند اصول بنیان‌گذاشته حفاظت را به‌چالش بکشند» (De La Torre, 2013, 159). بنابراین آگاه‌بودن ارزیاب از

جدول ۱. گرایش‌ها و رویکردهای اصلی در ادوار سه‌گانه حفاظت. مأخذ: نگارندگان.

دوره	گرایش‌ها و رویکردها
حفاظت کلاسیک	- رسیدگی به بناهای تاریخی (ICROM, 2018)
حفاظت مدرن (تئوری کلاسیک)	- اندیشیدن درباره ارزش‌های یادبودی و امروزی اثر (برگرفته از دیدگاه ریگل) - تأکید بر حفظ و تقویت حقیقت اثر و ارزش‌های ذاتی آن (حقیقت تاریخی و زیباشناختی اثر) - کشف دوباره و نمایش (ارائه) مضمون یا متن اصلی اثر - تأکید بر خواناسازی دقیق تاریخی و حفظ اصالت اثر با تمرکز بر مصالح (برگرفته از دیدگاه‌های آرگان و براندی) (یوکیلهتو، ۱۳۸۷؛ مونوز ویناس، ۱۳۹۷)
حفاظت معاصر (تئوری معاصر)	- حفظ ارزش‌های ذهنی اثر و معانی نسبت‌داده‌شده به آن (Avrami & De La Torre, 2000) - واگذاری مسئولیت ارزش‌گذاری، اولویت‌بندی و دفاع از ارزش‌ها به ذی‌نفعان و سهامداران اثر (Mason & Avrami, 2000) - حفاظت توافقی (مشارکتی) به‌جای حفاظت تحمیلی - جست‌وجوی احساس رایج، تصمیمات با ملاحظه و اقدامات عاقلانه - کسب بیشترین رضایتمندی برای بیشترین افراد با تقویت عملکردهای ارتباطی اثر (مونوز ویناس، ۱۳۹۷)

است. برخی از این اصول احتیاطی، قبلاً توسط زانچتی و میچالسکی به عنوان معیار ارزیابی و قضاوت دربارهٔ تصمیم‌سازی‌های حفاظتی مورد تأیید و استفاده قرار گرفته‌اند (Zancheti, 2011).

پنج اصل اصالت^۱، یکپارچگی^۲، خوانایی^۳، حداقل مداخله^۴ و بازگشت‌پذیری^۵ اصول اخلاقی و تکنیکی‌ای هستند که حفاظت معاصر نیز در بسیاری موارد به آنها پای‌بند است و مطابق دیدگاه‌های خود همچنان از آنها حمایت می‌کند (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۱۵۸). توجه به این اصول در هنگام مداخله کمک می‌کند تا محتوای مادی و غیرمادی اثر (ارزش‌ها و معانی آن) با احتیاط بیشتری به آینده منتقل شوند (جدول‌های ۲ و ۳).

فهم مشارکتی اثر

بهره‌گیری از الگوی فهم مشارکتی اثر (ICCROM, 2018, 195) در هنگام تصمیم‌سازی و نیز تفسیر تصمیمات می‌تواند با محدودسازی اعمال سلیقه‌های فردی در هر دو زمینه، به فهم جنبه‌های بیشتری از اثر و موضوعات مرتبط با آن بینجامد. بنابراین باعث می‌شود نتایج تفسیر و نتایج داوری به سمت صحت و اعتبار بیشتری میل کند.

تدوین برنامه ارزیابی و کاربست آن بر روی اثر نمونه
بر پایهٔ مباحثاتی که در زمینهٔ شناخت متغیرهای کیفی مؤثر بر روند ارزیابی مداخلات حفاظتی و فاکتورهای مؤثر

و تاریخی وضعیت اصلی یا قدیمی‌تر ساختار احترام بگذارد و مدارک آن را به‌گونه‌ای نگه دارد که در آینده قابل تشخیص باشند (ICOMOS, 2003, art 3-12) و به‌طور خاص دربارهٔ یک بنا، پیکرهٔ کالبدی را به‌گونه‌ای بر پا نگه دارد که هیچ نیروی متعارفی نتواند ساختار بنا را از وضعیت تعادل خارج کند (فلامکی، ۱۳۹۵، ۴۶) و یکپارچگی ساختاری آن را بر هم بزند. برای سنجش و تبیین مقبولیت مداخلات حفاظتی، به معیارهایی برای سنجش وضعیت کیفی مداخله نیاز داریم. هرچه این معیارها به منابع معتبرتری متصل باشند، قابلیت اعتمادپذیری ارزیابی بالاتر خواهد رفت. اصول حفاظتی پذیرفته‌شده در جوامع بین‌المللی، که از درون منشورهای بین‌المللی قابل‌بازخوانی هستند، منابعی موثق در تعیین این معیارها به‌شمار می‌آیند. برای مثال مطابق دستورالعمل‌های ارائه‌شده برای اقدامات حفاظتی در منشور آتن، ونیز و سند نارا، توجه به حفظ اصالت اثر یکی از معیارهای پذیرفته‌شده برای یک مداخلهٔ حفاظتی خوب است و حفظ تمامیت، هویت و سندیت شاخص‌های حفظ اصالت در اثر شمرده می‌شوند (CIAM, 1933; ICOMOS, 1964) که اگرچه فرایند فهم و درک آنها موضوعی کیفی است، اما توسط کسانی که صلاحیت آنها در ارزیابی تأیید شده، امکان‌پذیر است. در اسناد و منشورهای بین‌المللی به برخی اصول اخلاقی-تکنیکی، برای پشتیبانی اثر در برابر زیان‌های اجباری ناشی از مداخله (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۱۴۰) و همچنین کنترل و هدایت اقدامات حفاظتی توجه شده

جدول ۲. بررسی جایگاه اصول احتیاطی پنجگانه در منشورها و بیانیه‌های بین‌المللی حفاظت میراث. مأخذ: نگارندگان.

اصول احتیاطی (معیار)	مرجع حمایت‌کننده	شاخص‌های ارزیابی
یکپارچگی	منشور آتن (۱۹۳۳): مادهٔ ۵ منشور ونیز (۱۹۶۴): مادهٔ ۵، ۹، ۱۲	حفظ یکپارچگی شکلی، بصری و ساختاری اثر
اصالت	منشور آتن (۱۹۳۳): مادهٔ ۲، ۶، ۷ منشور ونیز (۱۹۶۴): مادهٔ ۱۱، ۱۳، ۹ سند نارا (۱۹۹۴)	حفظ تمامیت، هویت و سندیت اثر
خوانایی	منشور آتن (۱۹۳۳): مادهٔ ۲، ۴، ۷ منشور ونیز (۱۹۶۴): مادهٔ ۱۲، ۱۳	قابل تشخیص بودن بخش‌های الحاقی، جایگزین‌شده و مواد جدید در اثر
حداقل مداخله	منشور ونیز (۱۹۶۴): مادهٔ ۱۳ منشور بورا: مادهٔ ۸	انجام حداقل مداخلهٔ فیزیکی بر روی اثر، تلاش برای جلوگیری از تغییر و تحریف مدارک مربوط به کالبد
برگشت‌پذیری	ایکروم (۱۹۹۸) منشور بورا: مادهٔ ۱۵ ایکوموس (۲۰۰۳)	امکان تغییر(حذف، گسترش و برگشت) مداخله و عدم ممانعت اقدام انجام‌شده از انجام مداخلات آتی بر روی اثر

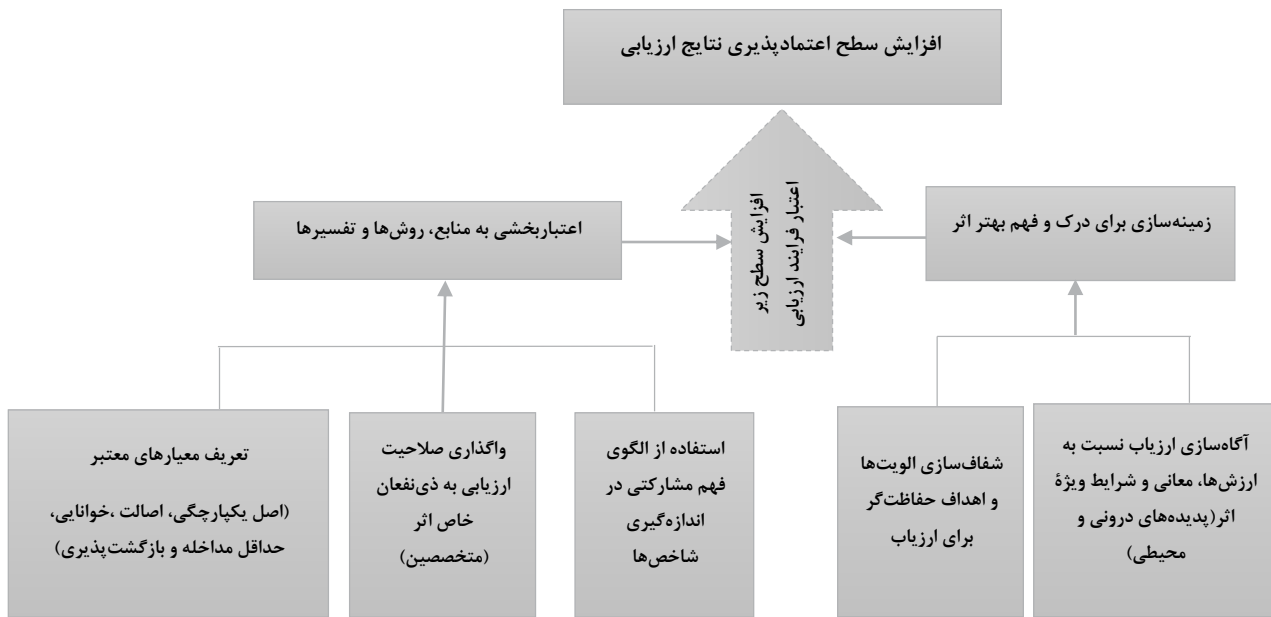
جدول ۳. بازخوانی اصول حفاظتی در منابع علمی حفاظت میراث. مأخذ: نگارندگان.

اصول احتیاطی (معیار)	مفاهیم و تعاریف
یکپارچگی	مطابق تعریف «فرهنگ لغت کمبریج»، یکپارچگی در لغت به معنی «کامل و تمام بودن» (http://Dictionary.Cambridge.org) و در یک اثر تاریخی، به معنای «ارجاع به شرایط کمال، تمامیت و سلامت ماده اثر» (UNESCO, 2005, 88) است. مقوله‌های اصلی تعیین شده برای این مفهوم عبارت‌اند از کالبدی، تاریخی، زیباشناختی و فرهنگی (ICOMOS, 1994). زیباشناختی، تاریخی و فیزیکی (Feilden, 2003, 6). عملکردی-اجتماعی، ساختاری و بصری (Jokilehto, 2006). سازه‌ای، عملکردی و بصری (UNESCO, 2012). کالبدی، ساختاری، زیباشناختی، هنری و تاریخی (Kapelozou, 2012).
اصالت	مطابق تعریف «فرهنگ لغت آکسفورد»، اصالت در لغت به معنای موثق، معتبر، اصلی و اصیل (Fowler & Fowler, 1964) و به عنوان خود واقعی و اورژینال و یا وضعیت قابل اعتماد یک حقیقت است (Simpson & Weiner, 1989; Clavir, 2002; Stovel, 2001). مفهوم چندبعدی که می‌تواند در سه بستر اصلی کالبدی، تاریخی و مفهومی در نظر گرفته شود (Scott, 2015). این مفهوم همچنین می‌تواند دربرگیرنده فرم و طرح، ماده و محتوی، استفاده و عملکرد، سنت‌ها و تکنیک‌ها، موقعیت و قرار گیری، معنا و احساس و دیگر فاکتورهای داخلی و خارجی باشد (ICOMOS, 1994, art 2).
خوانایی	اصل خوانایی برای اولین بار به طور شفاف در روش‌های عملی پیشنهاد شده توسط براندی به اخلاقیات حفاظت وارد شده است (یوکیلهتو، ۱۳۸۷، ۲۵۸) مفهوم خوانایی در حفاظت، به معنای امکان خوانش معانی اثر از سوی مخاطب آن و یا قابلیت بیان حقایق فیزیکی و معنایی از سوی خود اثر است. به گفته ویناس آنچه حفاظت جست‌وجو می‌کند تحمیل حقیقت نیست، بلکه تسهیل در خواندن یک اثر برای قابل فهم کردن آن است (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۷۲). اگر قرار باشد برخی از معانی در لایه‌های زیرین فدای معانی مهم‌تری شوند، انتخاب آنها یکی از مهم‌ترین چالش‌های حفاظت‌گر خواهد بود. به همین منظور نباید شواهد تاریخی از بنای تاریخی حذف، تخریب و یا منحرف شوند و هر مداخله پیشنهادی باید اجازه دهد تا حداکثر مقدار ممکن از مواد باقی بماند (Feilden, 2003, 6).
حداقل مداخله	حداقل مداخله یک اصل کلیدی در هر تجربه حفاظتی است که در آن مداخلات حفاظتی برای حفاظت از مفاهیم معنایی و کالبدی اثر باید در حداقل میزان ممکن باشند (Clavir, 2002) و هیچ اقدامی نباید بر روی بنای تاریخی انجام شود مگر با هدف ضمانت زندگی آینده آن (Hejazi & Mehdi zadeh Saradj, 2014, 14). اصل حداقل مداخله ممکن است برای حفاظت ماده اثر مفید باشد یا نباشد، اما کمک می‌کند که اثر همان گونه که هست نگه داشته شود و از تغییرات غیر لازم در آن جلوگیری می‌کند (Ashley-Smith, 2018). این نکته قابل توجه است که هیچ استاندارد حداقلی توافقی برای مداخلات وجود ندارد (ICOMOS, 2011).
بازگشت پذیری یا بازدرمان پذیری	این اصل یکی از بنیان‌های اصلی شاخه مدرن حفاظت است (Appelbaum, 2013) که برای آینده اثر حیاتی است (Appelbaum, 2010). این ملاحظه کاری به گزینه‌ها و درمان‌های دیگر در آینده اجازه بروز خواهد داد (Feilden, 2003, 6) در این صورت همواره امکان تعویض فنون و مواد مناسب در مداخلات آینده وجود خواهد داشت (Appelbaum, 2010; Hejazi & Mehdi zadeh Saradj, 2014, 13). به عقیده مونوز ویناس بازگشت پذیری یک مزیت (امتیاز) برای هر مداخله حفاظتی است؛ کیفیت آن را افزایش می‌دهد و باید در جست‌وجوی آن بود، اما نه به هر قیمتی (مونوز ویناس، ۱۳۹۷، ۱۳۹). به این معنی که ممکن است گاهی برای حفظ برخی معانی و ارزش‌ها لازم باشد این اصل نادیده گرفته شود. در هر صورت بازگشت پذیری یکی از معیارهای برتر در تعیین مداخله حفاظتی خوب به شمار می‌رود (Appelbaum, 2013).

دارای ارزش‌های معمارانه، کالبدی و زیبایی‌شناختی منحصر به فردی است. در سال ۱۳۸۶ با نظارت سازمان میراث فرهنگی کرمان، برخی مداخلات حفاظتی (استحکام‌بخشی، تثبیت و ترمیم) بر روی بنا صورت گرفته است (تصویر ۲). به عنوان اولین گام از برنامه ارزیابی مداخلات حفاظتی انجام شده بر روی این اثر، صلاحیت ارزیابی و مسئولیت پاسخگویی به گزینه‌های در نظر گرفته شده در چک لیست‌ها به یک گروه هشت نفره از متخصصان کرمانی واگذار شد که در حوزه حفاظت میراث در مؤسسات آموزشی، تحقیقاتی و اجرایی مرتبط با حفاظت، به عنوان متخصص حفاظت فعالیت می‌کنند و پشتوانه علمی لازم را برای درک مسائل و متغیرها در حفاظت معماری دارند. آنها رفتار سازه، کنش‌های مداوم یا احتمالی وارد شده بر ساختمان و تنش‌های آن و نیازمندی‌های ایمنی و دوام بنا را می‌شناسند. به طور

بر بالابردن سطح زیر اعتبار نتایج ارزیابی‌ها و نیز انتخاب اصول احتیاطی به عنوان معیارهای قابل اعتماد در ارزیابی انجام شد، نویسنده مدلی را برای انجام یک ارزیابی دارای اعتبار درباره کیفیت مداخلات حفاظتی، طراحی و پیشنهاد می‌دهد (تصویر ۱) تا با استفاده از آن، امکان انجام ارزیابی مداخلات حفاظتی در مقبره خواجه اتابک را مورد سنجش قرار دهد.

مقبره خواجه اتابک (نیمه اول قرن ششم هجری)، یکی از آثار شاخص معماری دوران سلجوقی در کرمان است. ماده ساختمانی ساختاری و تزئینی در این بنا آجر است. نمای داخلی و بیرونی بنا پوشیده از تزئینات نفیس آجرکاری از نوع آجر تراش، مقرنس آجری، گچ مهری، گچبری و نگین‌های لعابدار فیروزه‌ای است. این بنا از نظر سازه و ساختار و شیوه‌های اجرایی آجر و نقوش آجری و گچی،



تصویر ۱. الگوی فرایند اعتباربخشی به ارزیابی مداخلات انجام شده بر روی یک اثر میراثی. مأخذ: نگارندگان.

شد تا بر روی گرایش‌های فکری حفاظت در دوران معاصر متمرکز باشند.

در گام بعدی، یعنی مرحله بازرسی بنا، ارزیاب‌ها از نزدیک بنا را واریسی کردند تا بر پایه اصل مشاهده مستقیم در ارزیابی‌های کیفی حفاظت (ICOMOS, 2003, art 2-7)، به کمک شواهد عینی که نقشی مؤثر در شناخت اثر دارند و نیز تجربه، مهارت و خبرگی که در تعیین متدولوژی حفاظت و استراتژی درمان دارند، درباره وضعیت کیفی مداخلات و میزان انطباق آن با اصول احتیاطی، اظهار نظر کنند. مجموعه نظرات ارزیاب‌ها از طریق یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق دریافت شده و نتایج آنها به چک‌لیست‌هایی مشتمل بر برابری نظرات ایشان و در قالب درجات کیفی قابل‌مقایسه منتقل شد (جدول ۵).

نظرسنجی، تفسیر نظرات و برآورد نتایج

در مرحله نظر سنجی به‌عنوان آخرین مرحله در فرایند داوری درباره مقبولیت مداخلات، لازم است تا نتایج نظرسنجی در مورد مداخلات به مقادیر کیفی متفاوت جهت استناد و مقایسه تبدیل شوند. از آنجا که نتایج فوق را به‌خاطر ماهیت کمی‌شان نمی‌توان به عدد تبدیل کرد، لازم است تا در طیفی از درجات کیفی قرار بگیرند. بدین منظور پنج درجه کیفی عالی، بسیار خوب، خوب، متوسط و ضعیف در نظر گرفته شده و چک‌لیستی مطابق جدول ۶ برای ثبت نتایج ارزیابی در نظر گرفته شد.

مداوم و بسته به نیاز، پدیده‌های محیطی قابل‌پیش‌بینی، مانند تغییرات دوره‌ای سفره آب زمین، نشست زمین و نیز پیش‌بینی‌ناپذیر مانند زلزله و شدت و تعداد وقوع آن در منطقه را رصد می‌کنند و به‌طور ملموس با آن درگیر هستند. براساس چنین پشتوانه علمی، ارزیاب قادر خواهد بود تا در یک مشاهده دقیق از وضعیت کالبدی بنا، به کمک شهود، هوشیاری و توان تفسیری خود، با سنجش تاریخی-انتقادی و تجربی-کیفی داده‌های مرتبط (به‌صورت ذهنی و عینی)، قضاوتی اعتمادپذیر ترتیب داده (کروچی، ۱۳۹۶، ۳۲۲) و حتی در جایی که امکان انجام تحلیل‌های کمی (روندهای دقیق علمی)، که به امر تشخیص کمک می‌کند، وجود ندارد، در خصوص سطوح ایمنی بنا و کارابودن اقدامات درمانی سازه‌ای نیز ارزیابی‌های معتبری ارائه دهد. (به‌عنوان مثال در این مطالعه: میزان موفقیت عملکرد سازه کابلی پس از مداخله، در مواجهه با زمین‌لرزه‌های متعدد پس از ۱۳۸۶). اما پیش از پُرکردن چک‌لیست‌ها و در راستای دستیابی به هدف افزایش آگاهی ارزیاب نسبت به حقایق اثر، مجموعه ارزش‌های میراثی نسبت‌داده‌شده به مقبره که با در نظر گرفتن بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن (ICOMOS, 1994; ICOMOS, 2003; De La Torre, 2002) و براساس رده‌بندی فیلدن از ارزش‌ها (Feilden, 2003, 6) تبیین و تدوین شده بود، به‌عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای سطح زیر اعتبار داوری ارزیاب، در اختیار آنها قرار گرفت. (جدول ۴). در ضمن برای محدودسازی رویکردها، از ارزیاب‌ها خواسته

امتیازدهی میچالسکی و روسی در سال ۲۰۰۱ برای رأی‌گیری و مقایسه گزینه‌ها (ICCROM, 2018, 183)، از نمره‌های صفر تا ۴ برای مطابقت دادن داوری‌ها با اعدادی که هر یک نماینده یک درجه کیفی است استفاده شده است. نمرات در نظر گرفته شده برای هر گزینه به قرار زیر است: برای درجه عالی عدد ۴، برای بسیار خوب عدد ۳، برای خوب عدد ۲، متوسط عدد ۱ و در نهایت برای درجه ضعیف عدد صفر در نظر گرفته شده است.

اگرچه می‌توان از ابتدا به جای عبارتهای کیفی از اعداد معادل استفاده کرد، اما به این دلیل که کلیت ارزیابی به صورت کیفی انجام می‌شود و عبارتهای مذکور معنای کیفی بیشتری نسبت به اعداد ارائه می‌دهند، در چک‌لیست‌ها و پرسشنامه‌ها از آنها استفاده شده و در انتها و هنگام تحلیل اطلاعات، اعداد مورد نظر جایگزین آنها می‌شود. بدیهی است که میانگین نتایج نهایی حاصل از نظرسنجی از هر تعداد متخصص مقادیری از صفر تا ۲۰ خواهد بود. مجموع نمرات حالت یا درجه کیفی هر مداخله را از نظر میزان تطابق با معیارهای پنجگانه برای ما مشخص کرده و امکان ارائه نتایج نظرسنجی را با درجات مختلف ارائه می‌کند. به این معنی که هرچه میانگین نمرات تخصیص یافته به ۲۰ نزدیک‌تر باشد، مداخله از درجه کیفی بالاتری برخوردار است.

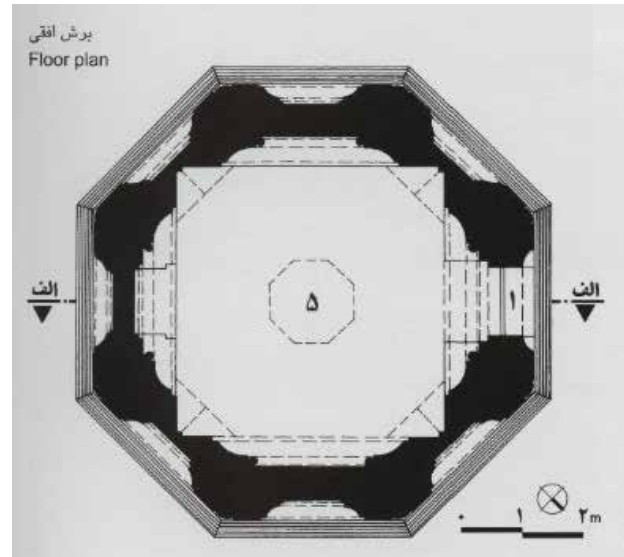
در نهایت پس از اعمال نظرسنجی و تخصیص نمرات به نظرات و اخذ میانگین از آنها، میانگین نتایج نظرسنجی از هشت نفر متخصص درمورد مداخله الف (استحکام بخشی و مهار تاق) عدد ۱۰/۶۲ (ده و شصت و دو صدم) و درمورد مداخله ب (مرمت تزئینات مقبره) عدد ۱۴/۷۵ (چهارده و هفتاد و پنج صدم) را نشان داد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مداخله ب از نظر کیفی از مقبولیت و صحت بیشتری نسبت به مداخله الف برخوردار است.

نتیجه‌گیری

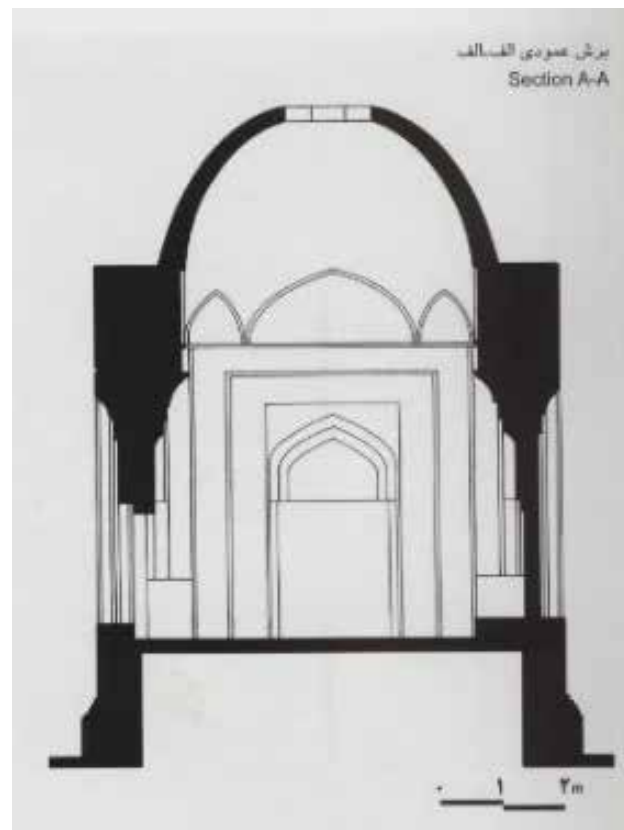
مطالعات پیشین در حیطه ارزیابی حفاظت میراث، بر روی مراحل مختلف حفاظت از تصمیم‌سازی تا انجام مداخله، در اثر تاکید داشته و به قضاوت و ارزیابی درمورد مداخلات انجام شده نپرداخته‌اند. این پژوهش تلاش کرده تا به طور متمرکز به روشی اعتمادپذیر برای ارزیابی کیفیت مداخلات به وقوع پیوسته بر روی یک اثر تاریخی دست پیدا کرده و شیوه‌های اجرایی آن را در ارزیابی مداخلات انجام شده بر روی یک اثر نمونه تبیین کند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که برای ارزیابی کیفی مداخلات حفاظتی، می‌توان از راهبردی مبتنی بر سه مؤلفه میزان توجه به اصل فهم مشارکتی اثر، ارجاع به اصول پنجگانه حفاظت و سطح اعتبار آگاهی ارزیاب از اصول پنجگانه و

جهت درجه‌بندی کیفی نتایج نظرسنجی و تحلیل آماری آنها، به دلیل نسبی بودن موضوعات، با برداشت از تکنیک‌های



الف



ب

تصویر ۲. الف) پلان هشت‌ضلعی مقبره خواجه اتابک. ب) برش عمودی مقبره خواجه اتابک. مأخذ: حاجی قاسمی، ۱۳۸۷.

جدول ۴. رده‌بندی ارزش‌های میراثی در مقبره‌ی خواجه اتابک. مأخذ: نگارندگان.

ارزش‌های اثر نمونه	رده‌بندی ارزش‌ها به ترتیب اهمیت
<p>- سندی اصیل و معتبر از معماری یادمانی و آرامگاهی سلجوقیان در ایران و کرمان</p> <p>- از نمونه‌های معدود و اولیه‌ی استفاده از تزئینات معقلی و سفال‌های لعابدار در ایران</p> <p>- ارزش تاریخی هزارساله و سندی بر رخداد‌های تاریخی در دوران سلجوقیان کرمان</p> <p>خصوصاً در مورد خواجه اتابک</p> <p>- ارزش‌های زیبایی‌شناختی تزئینات بنا به خصوص کتیبه‌های خط کوفی مشجر و همچنین سنگ محراب و نقوش آن</p> <p>- شکل ویژه‌ی تدفین در فرهنگ اسلامی و نوع محل دفن و مقبره</p>	ارزش‌های فرهنگی
<p>- ویژگی‌های احساس‌برانگیز تزئینات مقبره از جمله خطوط کوفی مشجر و گچبری‌های بی‌نظیر و همچنین سنگ محراب ارزشمند آن</p> <p>- قدمت ۹۰۰ ساله بنا و عبور آن از میان یک هزاره از مخاطرات تاریخی</p> <p>- اعتبار و جایگاه خواجه اتابک و اقدامات وی در دوران سلجوقیان</p> <p>- شاخص و نماد معماری سلجوقیان در شهر کرمان</p>	ارزش‌های احساسی
<p>- منبعی میراثی برای جذب گردشگر و درآمدزایی اقتصادی برای شهر کرمان</p> <p>- افزایش اعتبار بافت تاریخی و ارزش آن و بازگشت ساکنین محلی به بافت قدیم</p> <p>- فرصتی برای انتقال دانش معماری و تزئینات وابسته به آن به دانشجویان و پژوهشگران</p>	ارزش‌های کاربردی

جدول ۵. اولویت‌ها و اهداف حفاظت‌گر در هنگام مداخله. مأخذ: نگارندگان.

مداخله	اولویت‌ها و اهداف حفاظت‌گر
<p>مداخله الف: استحکام بخشی و مهار تاق با سازه طراحی شده کابلی</p>	<p>مهار اصلی و قدیمی تاق به شکل یک کلاف هشت‌ضلعی چوبی در اطراف تاق و داخل رأس دیوارها قرار دارد که اتصالات آن دچار ازهم‌گسیختگی شده است. حفاظت‌گر به سه دلیل تصمیم گرفته مهار جدیدی را با مواد و تکنولوژی جدید در اطراف آن اجرا کرده و از این راه به حفظ و تداوم یکپارچگی ساختاری بنا کمک کند:</p> <p>- دلیل اول: بیرون آوردن و جایگزین کردن و حتی استحکام بخشی مهار اصلی، مداخله کالبدی زیادی را در رأس دیوارهای بنا نیاز داشته که در نهایت منجر به ایجاد تغییراتی در ساختار و همچنین تزئینات اصیل بنا می‌شده که ارزش هنری بالایی دارند.</p> <p>- دلیل دوم: بخش بالایی دیوار در نمای بیرونی بنا مربوط به رسیدگی‌های حفاظتی ۵۰ سال پیش بوده و به علت ارزش کالبدی بسیار کمتر، نسبت به سایر بخش‌های اصلی بنا، قابلیت جایگزینی داشته و بستر مناسبی بوده تا مهار جدید از بیرون و به صورت کاملاً بازگشت پذیر بر روی آن اجرا شود. با این حال مداخله کالبدی چندان کم نبوده و بخش فوقانی نمای بیرونی با مصالح جدید تعویض شده است. با توجه به اینکه ارزش‌های کالبدی بنا نسبت به ارزش‌های فرهنگی و کاربردی اولویت بسیار بیشتری دارند و در میان بخش‌های کالبدی نیز تزئینات منحصربه‌فرد بنا در داخل و بیرون مهم‌ترین بخش‌ها هستند. مهار، تنها در گوشه‌های بنا به دلیل توجه به اصل خوانایی و پرتین شده و به خاطر رعایت یکپارچگی بصری در سایر بخش‌ها در زیر نمای فوقانی پنهان شده است.</p> <p>- دلیل سوم: از آنجا که در ساختارهای معماری تاریخی، از یک سو امکان محاسبه دقیق نیروها وجود نداشته و همواره میانگین‌های مطمئن در نظر گرفته می‌شود و از سوی دیگر تئوری‌های حفاظتی همواره تأکید بر حداقل مداخله در سازه و ساختار بناهای تاریخی دارند، تعیین کمی میزان موفقیت اقدامات سازه‌ای عملاً غیرممکن است. بنابراین سازه‌ای انتخاب شده که تا حد امکان بتواند حداقل‌های تجربی و کیفی مقاومت را از یک سو و حداقل‌های مداخله کالبدی را از سوی دیگر تأمین کرده باشد (تصویر ۳).</p>
<p>مداخله ب: تثبیت و بازسازی تزئینات گچبری نفیس در داخل مقبره</p>	<p>دیوار شمالی بنا که سال‌ها قبل به طور کامل فرو ریخته و تزئینات داخلی آن به طور کامل از میان رفته بوده، پس از بازسازی بدون اندود و تزئینات رها شده بوده است؛ این اقدام اگر چه از نظر ساختاری و کالبدی یکپارچگی بنا را تضمین می‌کرده، اما یکپارچگی بصری نمای داخلی را تحت تأثیر قرار داده و در آن ایجاد گسستگی کرده بود. بازسازی کامل تزئینات داخلی در نمای شمالی اگر چه می‌توانست یکپارچگی بصری را تضمین کند، اما به اصالت، هویت و ارزش‌های ندرت بنا لطمه می‌زد. از این رو یک اندود گچ و خاک ساده با رنگ زمینه مشابه تزئینات داخلی اصلی بنا (بدون تزئینات)، روی دیوار کشیده شده تا از یک سو به علت وسعت زیاد سطح دیوار، یکپارچگی بصری را تأمین کند و از سوی دیگر ارزش‌های قدمت، ندرت و اصالت تزئینات موجود را نیز حفظ کرده و به خوانایی آنها لطمه نزند. در سایر جداره‌های داخلی که تزئینات در سطح کوچکی دچار آسیب شده بوده، تنها خطوط کلی تزئینات آجری و گچ مه‌ری آجری با مصالح متفاوت اما همگن با مصالح اصلی بازسازی شده تا یکپارچگی نما حفظ شود (تصویر ۴).</p>



الف



ب

تصویر ۴. الف و ب) مداخله (ب). بهبود وضعیت تزئینات و اجرای اندود گچ و خاک به صورت ساده بر روی دیوار، پس از اقدام به بازسازی. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

بیشتری تصمیم‌گیری کنند. این گروه ۸ نفره، با توجه به چارچوب‌های تعیین‌شده در منشورهای بین‌المللی، مقادیر کیفی اصول احتیاطی را در دو مداخله مختلف، براساس طیف مشخص‌شده در برنامه ارزیابی سنجیدند.

از آنجا که ارزیابی به صورت کیفی انجام شد، از پنج عبارت عالی، بسیار خوب، خوب، متوسط و ضعیف برای رعایت هر معیار در هر مداخله استفاده شد. از سوی دیگر برای ایجاد امکان قیاس در دو مداخله و در نهایت ایجاد امکان استناد به ارزیابی، برای عبارتهای پنجگانه فوق، به ترتیب عددهای ۴ تا صفر اختصاص یافت.

پس از اعمال نظرسنجی و تخصیص نمرات به ارزیابی‌های متخصصین، میانگین نتایج نظرسنجی از هشت نفر متخصص درمورد مداخله الف (استحکام‌بخشی و مهار تاق) عدد ۱۰/۶۲ (ده و شصت و دو صدم) و درمورد مداخله ب (مرمت تزئینات مقبره) عدد ۱۴/۷۵ (چهارده و هفتاد و پنج صدم) را نشان داد.

در نهایت، برآورد نتایج نظرسنجی و تبدیل آنها به درجات



الف



ب

تصویر ۳. الف و ب) مداخله (الف). سازه کابلی برای مهار تنش‌ها در تاق، جلوگیری از حرکت تکیه‌گاه‌ها، بهبود ضعف ذاتی و مقاومت قائم جرزه‌ها در برابر کنش‌های لرزه‌ای. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

ارزش‌های ویژه اثر استفاده کرد. آگاهی ارزیاب از ارزش‌ها و معانی اثر و همچنین از اولویت‌ها و اهداف حفاظت‌گر می‌تواند به درک و فهم بهتر اثر کمک کند. از سوی دیگر می‌توان با استفاده از الگوی فهم مشارکتی برای اندازه‌گیری شاخص‌ها، واگذاری صلاحیت ارزیابی به متخصصان و تعریف معیارهای معتبر (اصول پنجگانه حفاظتی)، به تحلیل‌ها، تفسیرها و قضاوت‌ها اعتبار بیشتری بخشید.

درک و فهم بهتر اثر از یک سو و همچنین اعتبار بیشتر روش‌ها، منابع و تفسیرها، از سوی دیگر، در نهایت به افزایش سطح اعتمادپذیری و اعتبار نتایج ارزیابی منجر خواهد شد. بر پایه این اصل، برای بالابردن سطح زیر اعتبار فرایند ارزیابی مداخلات فرض‌شده در مقبره خواجه اتابک و به دست آوردن نتایج قابل اعتماد در ارزیابی، صلاحیت اعمال نظر، به شکلی مشارکتی (برای کاهش خطاپذیری و افزایش اعتمادپذیری نتایج)، به کسانی داده شد که هم بر مفاهیم کلی حفاظت مسلط بودند و هم نسبت به شرایط ویژه اثر و روابط تعاملی آن با محیط دربردارنده آن آگاه شده بودند تا بتوانند با دقت

جدول ۶. چک‌لیست برای ارزیابی وضعیت اعتبار مداخلات حفاظتی در مقبره خواجه اتابک. مأخذ: نگارندگان.

وضعیت توجه حفاظت‌گر به معیارها					معیارها			
<input type="checkbox"/>	ضعیف	<input type="checkbox"/>	متوسط	<input type="checkbox"/>	خوب	بسیار خوب	عالی	توجه به حفظ یکپارچگی
<input type="checkbox"/>	ضعیف	<input type="checkbox"/>	متوسط	<input type="checkbox"/>	خوب	بسیار خوب	عالی	توجه به حفظ اصالت
<input type="checkbox"/>	ضعیف	<input type="checkbox"/>	متوسط	<input type="checkbox"/>	خوب	بسیار خوب	عالی	توجه به حفظ خوانایی
<input type="checkbox"/>	ضعیف	<input type="checkbox"/>	متوسط	<input type="checkbox"/>	خوب	بسیار خوب	عالی	توجه به انجام حداقل مداخله
<input type="checkbox"/>	ضعیف	<input type="checkbox"/>	متوسط	<input type="checkbox"/>	خوب	بسیار خوب	عالی	توجه به بازگشت‌پذیری مداخله

نشر ایروان.

- مونوز ویناس، سالوادور. (۱۳۹۷). *تئوری معاصر حفاظت (ترجمه زینب رئوفی و منصور خواجه‌پور)*. کرمان: جهاد دانشگاهی استان کرمان.
- یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۷). *تاریخ حفاظت معماری (ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری)*. تهران: انتشارات روزنه.
- Appelbaum, A. (2010). Conservation treatment methodology. *Journal of the American Institute for Conservation*, 49(1), 53-55
- Appelbaum, A. (2013). Criteria for treatment: reversibility. *Journal of the American Institute for Conservation*, 26(2), 65-73.
- Ashley-Smith, J. (2018). The ethics of doing nothing. *Journal of the Institute of Conservation*, 41(1), 6-15.
- Austrian Development Agency. (2009). *Guidelines for Project and Program Evaluations*.
- Avrami, E. R. & De La Torre, M. (2000). *Values and Heritages Conservation*. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Bond, S. & Worthing, D. (2016). *Managing Built Heritage, the Role of Cultural Values and Significance*. New York: Wiley.
- Caple, Ch. (2000). *Conservation Skills: Judgment, Method and Decision Making*. London: Routledge.
- CIAM (1933). *Congress Internationaux d'Architecture moderne La Charte d'Athenes or The Athens Charter*, (J. Tyrwhitt, Trans.). Paris: The Library of the Graduate School of Design.
- Clavir, M. (2002). *Preserving What is Valued: Museums, Conservation and First Nations*. Vancouver: UBC Press.
- De La Torre, M. (2002). *Assessing the Values of Cultural Heritage*. Los Angeles: The Getty conservation institute.
- De La Torre, M. (2013). Values and heritage conservation. *Journal of Heritage and Society*, 60(2), 155-165.
- Feilden, B. M. & Jokilehto, J. (1998). *Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites*. Rome: ICCROM.
- Feilden, B. M. (2003). *Conservation of Historic Buildings (3th Ed)*. London: Routledge.
- Fowler, H. W. & Fowler, F. G. (Eds). (1964). *Concise Oxford Dictionary of Current English*. Clarendon Press.

کیفی مشخص کرد که مداخله ب، یعنی حفاظت و مرمت تزئینات گچبری نفیس در داخل مقبره نسبت به مداخله الف، یعنی مهار تاق بنا با سازه طراحی شده کابلی، درجه اعتبار بیشتری را به دست آورده است. با توجه به اینکه این فرایند بر مبنای اصل اعتبارپذیری داده‌ها و روش‌ها سازماندهی شده و بر مبنای اصول اخلاقی-تکنیکی حفاظت طراحی شده است، می‌تواند در ارزیابی و سنجش صحت و مقبولیت مداخلاتی که بر روی یک اثر میراثی صورت می‌گیرد از اعتبار علمی برخوردار باشد. همچنین می‌توان با در نظر داشتن کاراکتر اثر و بستر محیطی آن، از این راهبرد به صورت تکرارپذیر در ارزیابی مداخلات حفاظتی متفاوت استفاده کرد.

پی‌نوشت

۱. integrity
۲. authenticity
۳. legibility
۴. minimum intervention
۵. reversibility or re-treatability

فهرست منابع

- حاجی‌قاسمی، کامبیز (ویراستار). (۱۳۸۷). *گنجنامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران (دفتر دوازدهم: امامزاده‌ها و مقابر)*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۱)، ۱۹-۳۴.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۱). *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی*. تهران: نشر فضا.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۹۵). *منشور مرمت معماری*. تهران: نشر فضا.
- کروچی، جورجو. (۱۳۹۶). *حفاظت و مرمت سازه‌های میراث معماری (ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و مهرداد حجازی)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محمدی اصل، عباس. (۱۳۹۷). *فلسفه هانس گئورگ گادامر*. تهران:

- Hejazi, M. M. & Mehdizadeh Saradj, F. (2014). *Persian Architectural Heritage*. Boston: WIT Press.
- Henderson, J. & Waller, R. (2016). Effective preservation decision strategies. *Journal of Studies in Conservation*, 61(6), 308-323.
- ICCROM. (2018). *Sharing Conservation Decisions: Current Issues and Future Strategies*. A. Heritage & J. Copithorne (Ed.). Italy.
- ICOMOS. (1964). *The Venice Charter*. Italy.
- ICOMOS. (1994). *The Nara Document on Authenticity*. Japan.
- ICOMOS. (2003). *Principles for the Analysis, Conservation and Structural Restoration of Architectural Heritage*. Zimbabwe.
- ICOMOS. (2011). *Guidance on Heritage Impact Assessments for Cultural World Heritage Properties*. Paris.
- ICOMOS. (2013). *The Bura Charter-1999. The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. Australia.
- Jokilehto, J. (2006). Considerations on authenticity and integrity in world heritage context. *Journal of City and Time*, 2(1), 1-16.
- Kapelozou, I. (2012). The inherent sharing of conservation decision. *Journal of Studies in Conservation*, 57(3), 172-182.
- Mason, J. (2002). *Qualitative Researching*. Los Angeles: SAGE Publications.
- Mason, R. & Avrami, E. (2000). Heritage values and challenges of conservation planning. In J. M. Teotonico and G. Palumbo, *Management Planning for Archeological Sites: An International Workshop Organised by the Getty Conservation Institute and Loyola Marymount University* (pp. 13-26). Los Angeles: Getty Conservation Institute.
- Michalski, S. (1994). Sharing responsibility for conservation decision. In *The Science Responsibility and Cost of Sustaining Cultural Heritage* (pp. 241-258). New York: Wiley.
- Reedy, Ch. L. (2010). Conservation treatment methodology by Barbara Appelbaum. *Journal of American Institute for Conservation*, 49(1), 53-55.
- Scott, D. (2015). Conservation and authenticity: interactions and enquires. *Journal of Studies in Conservation*, 60(5), 291-305.
- Simpson, E. S. C. & Weiner, J. A. (Eds.) (1989). *The Oxford Encyclopaedic English Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.
- Stovel, H. (2001). The Riga charter on authenticity and historical reconstruction in relationship to cultural heritage. *Journal of Conservation and Management of Archeological Sites*, (4), 241-244.
- Stovel, H. (2007). Effective use of authenticity as world heritage qualifying conditions. *Journal of City and Time*, 2(3), 21-36.
- UNESCO. (2005). *The Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*. Paris.
- UNESCO. (2012). *International World Expert Meeting on Integrity for Cultural Heritage*. AL-Ain, United Arab Emirates.
- Zancheti, S. M. (2011). Measuring urban heritage conservation: theory and structure (part1). *Journal of Heritage Management and Sustainable Development*, 1(2), 15-26.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

رئوفی، زینب و خواجه پور، منصور. (۱۴۰۰). راهبردی برای افزایش اعتبار ارزیابی‌های کیفی در مداخلات حفاظتی آثار تاریخی، نمونه موردی: مقبره خواجه اتابک کرمان. *باغ نظر*, ۱۸(۹۶)، ۵-۱۶.

DOI: 10.22034/bagh.2020.234876.4566

URL: http://www.bagh-sj.com/article_129539.html

